

تبیین و بررسی لذت از منظر برخی از اندیشمندان تأثیرگذار

علی قنبریان^۱

^۱ پژوهشگر پسادکتری فلسفه اخلاق دانشگاه تهران و طلبه سطح ۴ حوزه علمیه (فقه و اصول)

چکیده

بحث در خصوص چیستی لذت و اهمیت و جایگاه آن همواره یکی از موضوعات مورد مطالعه بشر است. لذت از مفاهیم مهم و کاربردی است و در زندگی انسان‌ها نقش زیادی دارد. همه انسان‌ها در طول روز با لذت عجین هستند. حتی در درمان بیماری‌های روحی و ناهنجاری‌ها و عادات ناپسند، می‌توان از لذات استفاده کرد. معادل انگلیسی لذت‌گرایی، «Hedonism» است که از ریشه کلمه یونانی hedone به معنای لذت آمده است. در این مقاله به تعریف لذت از دیدگاه برخی از اندیشمندان و مکاتب فکری تأثیرگذار پرداخته و اقسام آن بررسی شده است. در این نوشتار از طریق کتابخانه‌ای گردآوری اطلاعات مربوط به «لذت» انجام شده و به شیوه توصیفی تحلیلی پردازش صورت گرفته است. تمامی ارجاعات منبعی و سندی به‌گونه درون‌متنی (ای پی ای / APA) است.

واژه‌های کلیدی: لذت، لذات دنیوی، لذات اخروی، جرمی بنتام، سهروردی، ابن‌سینا، ملاصدار.

مقدمه

فلسفه لذت از جمله مباحثی است که با قدمت چندین هزارساله در فلسفه‌های رایج، از عصر افلاطون و پیش از آن مورد مذاقه قرار گرفته است. لذت‌گرایی با صور و گونه‌های متنوعی که دارد، در طول تاریخ اندیشه‌های اخلاقی، از سوی تعداد زیادی از فیلسوفان اخلاق مورد تأیید یا توجه قرار گرفته است. مباحث مهمی درباره این موضوع را می‌توان در آثار افلاطون، ارسطو، آریستوپوس و اپیکور، در میان فیلسوفان یونان باستان، و همچنین فیلسوفان معاصر چون جان لاک، هابز، هیوم، جرمی بنتام (۱۵ فوریه ۱۷۴۸-۶ ژوئن ۱۸۳۲)، جان استوارت میل (۲۰ مه ۱۸۰۶ - ۸ مه ۱۸۷۳)، سیجویک، جورج ادوارد مور، برود (Broad)، برنتانو (Brentano)، رایل (Ryle)، و برانت (Brandt) مشاهده کرد. البته این سخن به معنای آن نیست که همه این فیلسوفان از دیدگاه لذت‌گرایانه درباره منشأ ارزش اخلاقی دفاع کرده یا آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. حتی برخی از آنان به نقد آن و ارائه نظریات بدیلی پرداخته‌اند؛ اما تعلق خاطر این فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ به بحث لذت‌گرایی، حکایت از اهمیت این نظریه دارد.

در نوشتار حاضر ماهیت لذت از دیدگاه برخی از متفکران بررسی شده و اقسام آن بیان شده است. مطالب مقاله در ضمن ۴ مبحث مطرح شده است:

۱. تقسیم‌بندی مکاتب براساس لذات؛

۲. لذت از دیدگاه برخی از متفکران تأثیرگذار؛

۳. تفاوت آراء ملاصدرا و بنتام درباره لذت؛

۴. اقسام لذت.

۱. تقسیم‌بندی مکاتب براساس لذات

دو نوع نگرش کلی در ارتباط با لذت شکل گرفته است:

الف) برخی مکاتب، دوری از لذت و دفع آن را تجویز می‌کنند مانند آیین مثبت برهائیسیم یعنی تزکیه لذات زندگی، و در مقابل آن، عقیده محو این لذات که منظور فکر منفی بودائیسیم است، قرار می‌گیرد (رومن رولان، فرهنگ درست‌نویسی سخن، «مهماتا گاندی»، ص ۴۵۵-۴۵۶).

ب) و در نقطه مقابل، برخی از مکاتب گرایش و جذب لذت را سرلوحه خود قرار داده‌اند.

در دین اسلام راه میانه و معتدل پذیرفته شده است؛ یعنی لذات به‌طور کلی کنار گذاشته نشده است و از طرفی تمامی لذات مجاز نیست؛ مانند لذت حاصل از انجام کار حرام. هریک از دو نوع نگرش، در طول تاریخ طرفدارانی داشته است.

۲. لذت از دیدگاه برخی از متفکران تأثیرگذار

لذت‌گرایی (Hedonism) نظریه‌ای در مورد ارزش است که طبق آن لذت، خیر و غایت نهایی عمل است. صورت‌های چندی از لذت‌گرایی وجود دارد. در برخی صورت‌ها، تمایزاتی میان لذات برتر و فروتر ایجاد شده است. یعنی تمایزاتی کیفی و نیز تمایزاتی کمی موجودند. مدافعان لذت‌گرایی اغلب مترصدند خود را از این اتهام مبرا کنند که «لذت‌گرایانی "مبتذل" هستند و دیدگاهی را مطرح می‌کنند که غایات و دغدغه‌های انسانی را از غایات و دغدغه‌های موجودات فروتر چندان متمایز نمی‌سازد.» اما لذت‌گرایی به‌خودی‌خود مبتذل و پست نیست. اینکه مبتذل و پست هست یا خیر، به ویژگی‌های خاص‌تری از این دیدگاه بستگی دارد که نظریه‌پردازان این دیدگاه ارائه کرده‌اند. لذت و ارتباط آن با ارزش اخلاقی، دغدغه اصلی بسیاری از نظریه‌های اخلاقی است؛ مثلاً کانت آن را برای سعادت ضروری دانسته و سعادت متناسب با فضیلت را به‌مثابه خیر کامل می‌پنداشت؛ اما این امر لذت‌گرایی را درون نظریه او نمی‌گنجاند. بنا به اندیشه کانت، نفس ارزش لذت، فی‌نفسه ارزش اخلاقی نیست، ولی موقعیتی که در آن مردم به‌تناسب فضیلت اخلاقی‌شان شاد نیستند، نوعی خلل اخلاقی دارد. ارسطو بر این باور بود که فعالیت فضیلت‌مندانه لذت‌بخش است و لذات آن جزء لازم سعادت است؛ لیکن این دیدگاه هم دربردارنده لذت‌گرایی نیست. بنا به نظر غیرلذت‌گرایان، لذت ممکن است نوعی خیر باشد اما یگانه خیر نیست و از نظر اخلاقی هم لزوماً باارزش نیست (جاناتان آ. جیکوبز، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ص ۱۵۸-۱۵۹).

کسانی که درباره معیار ارزش اخلاقی لذت‌گرا هستند در واقع مفاهیم و جملات اخلاقی را با توجه به مفهوم لذت معنا می‌کنند؛ یعنی اگر از یک لذت‌گرا پرسیده شود که «خوب» یعنی چه، در پاسخ خواهد گفت «خوب» یعنی «لذت‌بخش» و اگر از او خواسته شود که، به عنوان مثال، «عدالت خوب است» را معنا کند، در پاسخ خواهد گفت: «عدالت لذت‌بخش یا خوشایند است» (محمدتقی مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۰۷).

از عوامل مهم جنگ و خون‌ریزی بین مردم و جوامع مختلف، به دست آوردن لذات بیشتر یا تضاد لذات و منافع است. یکی از سیاستمداران درباره اهمیت لذت چنین نوشته:

«ولی از سویی دیگر، متفکران دیگری از دیرباز معتقدند که انسان ذاتی حیوانی دارد و همیشه به همین شکل باقی خواهد ماند. این متفکران پرهیز از لذات را نمونه‌های نادر و استثنای می‌دانند و شمار اندک‌شان، قاعده نبودن آن‌ها را ثابت می‌کند. با پذیرش این موضوع، آن‌ها معتقدند که انسان، همانند هر حیوان دیگری، باید تا جای ممکن از زندگی لذت ببرد و تنها باید یک نظم کلی حکم‌فرما باشد تا مانع تجاوز افراد از حدود آزادی‌هایشان شود.» (سیدعبدالله انتظام‌وزیری، برادری انسان‌ها، ص ۱۷۶) در ذیل به تعریف و بررسی لذت از دیدگاه چهار تن از متفکران و مؤسسان مکاتب فکری پرداخته می‌شود. یک نفر از متفکران غربی (جرمی بنتام) و سه نفر از متفکران اسلامی (سهروردی، ابن‌سینا، و ملاصدرا).

۱.۲. لذت از منظر جرمی بنتام (مؤسس مکتب فایده‌گرایی)

مکاتب لذت‌گرایی متعددی در تاریخ بشریت به وجود آمدند. لذت‌گرایی از زمان ایودوکس و اپیکور تا زمان حاضر پیروان بسیار داشته است (ویلیم، کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، ص ۱۸۸-۱۸۹). مکتب لذت‌گرایی که ملاک اخلاقی بودن فعل را «اصالت لذت» معرفی می‌کند، از دوره یونان باستان تا به امروز به صورت‌های گوناگونی تقریر شده است. لذت‌گرایی مکتبی است که لذت را معیار اخلاق می‌داند. این نظریه در یونان باستان، توسط اپیکور و آریستوپوس مطرح شد و در فلسفه جدید نیز جان لاک و بنتام به بیان تازه‌ای از آن پرداختند که در ضمن نظریه منفعت‌گرایی مطرح می‌گردد. مشهورترین و متکامل‌ترین مکتب لذت‌گرا، فایده‌گرایی (utilitarianism) است. مدون و مروج فایده‌گرایی جرمی بنتام (Jeremy Bentham) (۱۵ فوریه ۱۷۴۸-۶ ژوئن ۱۸۳۲)، فیلسوف شهیر انگلیسی است. بنتام، لذت را امری بدیهی می‌داند. او درباره لذت می‌گوید: «در این باب به نازک‌اندیشی و متافیزیک نیازی نداریم. لازم نیست به آثار افلاطون (Plato) یا ارسطو مراجعه و استناد کنیم. لذت و الم همان چیزهایی هستند که هرکس احساسشان می‌کند.» (Jeremy Bentham, Theory of Legislation, p 3) لذت از دیدگاه بنتام پیامد عمل است. عمل زمانی می‌تواند تحت اصل سود قرار گیرد که به اعتبار افزایش یا کاهش که در سود و لذت افراد ذی‌ربط ایجاد می‌کند ارزش‌گذاری شود (Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, p15).

۲.۲. لذت از منظر فلاسفه مسلمان

در بین مسلمانان سه مکتب فلسفی (اشراق، مشاء، و حکمت متعالیه) مهم رشد و تکون یافت. بزرگان و اندیشمندان هر سه مکتب به بحث از ماهیت و اقسام لذت پرداخته‌اند. نمایندگان این مکاتب دیدگاه‌ها و نظرات مشابهی درباره لذت دارند:

الف) سهروردی (شیخ اشراق): لذت را ادراک ملایم و رسیدن به آن و الم را ادراک ناملایم دانسته است (شهاب‌الدین سهروردی، حکمة الاشراق، ص ۲۲۴). در هوای گرم، نوشیدن آب سرد ملایم با طبع است و انسان احساس لذت می‌کند و نوشیدن آب گرم، چون منافر با طبع است، انسان احساس ناخرسندی و کراهت دارد.

ب) ابن‌سینا (شیخ‌الرئیس): لذت را ادراک شیء از آن جهت که نزد دریافت‌کننده کمال و خیر است و الم را چیزی که نزد دریافت‌کننده شر است، معرفی می‌کند (ابن‌سینا، الاشارات و التنبيهات، ج ۳، ص ۳۳۷). از نظر وی لذات عقلی بر لذات حسی برتری دارد.

پ) صدرالدین شیرازی (ملاصدرا): از منظر ملاصدرا وقتی زیبایی مورد ادراک واقع شود، لذت حاصل می‌شود. به تعبیر دیگر لذت یا حداقل قسمی از لذت نتیجه ادراک زیبایی است. و هرچقدر زیبایی شدید باشد و ادراک زیبا قوی باشد، به همان

اندازه لذت هم شدید و قوی خواهد بود. از این رو چون خداوند زیبای مطلق است و ذات خود را به نحو اتم و اکمل درک می‌کند، پس بیشترین ابتهاج و سرور را دارد. هرچقدر ادراک و شهود زیبایی قوی باشد، به همان اندازه لذت هم شدید خواهد بود. از این رو وقتی مناظر زیبا را از نزدیک مشاهده می‌کنیم، بیشتر لذت می‌بریم. «کَلِّمَا كَانَ الْادْرَاكُ أَشَدَّ، كَانَ اللَّذَّةُ أَتَمَّ. فَلِذَّةِ النَّظَرِ إِلَى الْجَمِيلِ عَلَى قَرَبٍ وَ فِي مَوْضِعٍ مَضَى أَتَمَّ مِنْ لَذَّتِهِ فِي ادْرَاكِهِ مِنْ بَعْدٍ. لِأَنَّ ادْرَاكَ الشَّيْءِ مِنَ الْقَرِيبِ أَشَدُّ» (محمدبن‌ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، مبدأ و معاد، ص ۱۴۹). یعنی هرچقدر ادراک شدید باشد، به همان اندازه لذت اتم و اکمل خواهد بود. لذت نگاه کردن به زیبا از نزدیک و به صورت واضح بیشتر است از لذت نگاه کردن به آن از مکان دور. چون ادراک یک چیز از مکان نزدیک شدیدتر است (حسین هاشم‌نژاد، فلسفه هنر به بیان ساده، ص ۷۷-۷۸).

لذت همان ادراک ملایم است از آن جهت که ملایم است و الم ادراک ضد آن امر ملایم است از آن جهت که ضد آن است و ملایم هر شیئی، کمال آن شیء محسوب می‌شود (محمدبن‌ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ج ۴، ص ۱۴۲). از منظر ملاصدرا ادراک و مدرک و مدرک عقلی قوی‌تر از ادراک و مدرک و مدرک حسی است. بنابراین، لذت حاصل از چنین ادراکی با لذت ناشی از حس قیاس‌پذیر نیست (اعظم ایرجی‌نیا، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام»، ص ۱۲۲).

۳. تفاوت آراء ملاصدرا و بنتام درباره لذت

جرمی بنتام و ملاصدرا جایگاه ویژه‌ای در بین اندیشمندان دارند. بنتام مؤسس مکتب پرنفوذ فایده‌گرایی است و ملاصدرا بنیانگذار حکمت متعالیه است که از دو مکتب فلسفی دیگر (حکمت مشا و حکمت اشراق) استفاده کرده است. بنابراین شایسته است که به تفاوت آراء این دو فیلسوف درباره لذت اشاره شود. لذت از دیدگاه ملاصدرا تابع ادراک و امر ملائم (کمال) است اما از منظر بنتام لذت محصول پیامد عمل است. در دیدگاه صدرا، لذت عقلی بر لذت حسی به دلیل تفاوت ادراک و مدرک و مدرک برتر است اما از دیدگاه بنتام آنچه موجب تمایز لذتی از لذت دیگر می‌شود، پیشی گرفتن هریک از لذت‌ها بر سایر لذت‌ها براساس معیارهای هفت‌گانه است. از دیدگاه صدرا، نفس انسان به‌عنوان مدرک یعنی فاعلی مطرح است که می‌تواند به لذت عقلی با قطع نظر کردن از مشغولیت‌های مادی توجه کند و آن را بر لذت حسی ترجیح دهد اما در نگاه بنتام، انسان تحت سلطه طبیعت واقع شده که او را به‌سوی لذت مطابق با طبیعت سوق می‌دهد. از دیدگاه صدرا انسان متعالی به درک تقرب خداوند و لذت آن نائل می‌شود، اما در نظریه بنتام سخن از تقرب به خداوند نیست (اعظم ایرجی‌نیا، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام»، ص ۱۳۰). بنتام لذت را در لذات مادی خلاصه کرده و از آنجا که انسان را تنها دارای بعد مادی و جسمانی دیده جایی برای لذات روحی و معنوی باز نکرده است اما ملاصدرا انسان را تنها در بعد بدن و تن خلاصه نمی‌کند و آدمی را یک موجود تک‌ساحتی نمی‌بیند بلکه علاوه بر جسم، برای آدمی جان و روان نیز قائل است. و همان‌طور که جسم انسان لذاتی مخصوص به خود دارد، روح آدمی نیز لذاتی مناسب خود دارد. از دیدگاه صدرا از میان دو بعد جسم و روح، روح مهم‌تر و اساسی‌تر از جسم است و برخورداری از لذات مادی و جسمانی ممنوع نیست ولی اگر این لذات مانع از وصول انسان به مقام شایسته خود و شخصیت حقیقی‌اش باشند، می‌بایست ترک شوند. طبق آموزه‌های دینی، انسان‌ها نباید بیش‌ازحد به دنیا توجه کنند. امام صادق^ع فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِ سِتٌّ: حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّيَاسَةِ، وَ حُبُّ الطَّعَامِ وَ حُبُّ النَّوْمِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ النِّسَاءِ؛ نَخْسْتِينَ شَيْءٍ كَيْفَ نَفَرَمَانِي وَ عَصِيَانِ الْهَبِيِّ بِهِ وَسِيلَهُ أَنْ يَنْجَامَ شَيْءٌ شَيْءٌ بِدُونِ: مَحَبَّةِ (افراطی به مال) دنیا و ریاست و طعام و خواب و راحت طلبی و زنان» (محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶۹، ص ۱۰۵).

۴. اقسام لذت

با توجه به گستره وسیع لذات بین انسان‌ها و حیوانات، آن را به اقسام مختلف می‌توان تقسیم کرد. اقسام مشهور لذت عبارت است از:

(الف) دنیوی و اخروی

(ب) فردی (شخصی) و اجتماعی (جمعی)

(پ) ضروری و غیرضروری

کمالی که به خاطر آن، چیزی محبوب ما واقع می‌شود از جهت ضروری بودن و غیرضروری بودن و نیز از جهت مادی بودن مانند تغذی و غیرمادی بودن مانند علم، یکسان نیست بلکه شدت و ضعف دارد (سیدمحمدحسین طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۶۲۰).

ت) برتر (لذت‌های عقلانی) و پست‌تر (مشترک با حیوانات)

می‌توان لذت را به دو قسم لذت‌های محسوس و لذت‌های معنوی تقسیم کرد. مراد از لذت‌های محسوس آن دسته از لذت‌هاست که بین انسان و سایر جانداران مشترک است. از قبیل لذت خوردن غذاهای لذیذ، لذت خوابیدن، لذت غریزه تولید مثل. منظور از لذت‌های معنوی هم آن دسته از لذت‌هاست که مختص به انسان است و به‌ظاهر در حیوانات دیده نمی‌شود هرچند بحث بر سر تعیین مصادیق این لذت‌ها و بودن نبود آن‌ها در حیوانات می‌تواند پُرمنافشه باشد. یکی از لذت‌های معنوی، لذت بردن از دانستن است یا لذت بردن از حقیقت‌جویی است که به اشکال گوناگون مانند لذت از مطالعه، لذت از تحقیق، لذت از تفکر، لذت از فلسفه، خودش را نشان می‌دهد. همین لذت است که عاشقان علم و حکمت را تا صبح بیدار نگه می‌دارد. حکایت‌های شوق‌انگیز و شورانگیز فراوانی در تاریخ علم شرق و غرب در خصوص عشق به مطالعه و تفکر و تحقیق دانشمندان، علما، و حکما ذکر شده است. دومین یا شاید عالی‌ترین مصداق لذت معنوی، لذت با خدا بودن و لذت نیایش و ذکر است که شدت و ضعف‌پذیر است. مراتب والای آن، اهل دل و عرفان را به حالت جَذبه و مدهوشی و مستی فرومی‌برد. اکثر اشعار حافظ و مولوی جلال‌الدین محمد بلخی در دیوان شمس تبریزی اشعاری هستند که این نوع لذت را انعکاس می‌دهند و صواب‌بته به اعتراف خودشان از توصیف حقیقت آن عاجزند؛ چراکه این قبیل لذت‌ها چندان قابل توصیف به‌وسیله الفاظ و کلمات نیستند. سومین قسم از لذت‌های معنوی، لذت از زیبایی است. بی‌هیچ تردیدی انسان از زیبایی لذت می‌برد. آنچه که برخی از زیبایی‌ها را تلخ می‌کند امور عَرَضی هستند و گرنه ذات زیبایی لذت‌بخش است، آن هم لذت معنوی و انسانی (حسین هاشم‌نژاد، فلسفه هنر به بیان ساده، ص ۱۰۴-۱۰۵).

اگر لذت ترک لذت بدانی

دگر شهوت نفس لذت نخوانی

(مصلح‌الدین سعدی، کلیات سعدی، ص ۹۱۵ و با اندکی تغییر در: بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی)، کشکول، ج ۳، ص ۲۱۳)

ث) معنوی (روحی، غیرطبیعی) و حسی (جسمی و طبیعی)

لذت، که تابعی از امر ملایم است، به تناسب اینکه این امر ملایم مربوط به چه ساحتی باشد، متفاوت می‌شود. یعنی اگر آن امر ملایم در حوزه معقولات باشد، لذت، عقلی و اگر در حوزه محسوسات باشد، لذت حسی خواهد بود. بدین ترتیب در تمایز میان لذات متعدد سه مؤلفه حضور دارد: ادراک؛ مدرک؛ مدرک (اعظم ایرجی‌نیا، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرا و سودگرایی بنتام»، ص ۱۱۸).

لذت‌ها تابع ادراک‌اند و ادراک دو نوع است: الف) ادراک ظاهر: آن است که به‌وسیله یکی از حواس پنج‌گانه ظاهر حاصل شود. ب) ادراک باطن: آن است که به‌وسیله نیروی لطیفی که آن را قلب می‌گویند حاصل شود (ابوحامد غزالی، کتاب الاربعین، ص ۲۴۰)... انسان حواس متعدد داشته و ادراکات متعددی را داراست و به تبع آن لذت‌های مختلفی را درک می‌کند. در لذت پنج حس ظاهر بهایم با آدمی شریک‌اند. خاصیت آدمی و آنچه به‌وسیله آن از حیوانات متمایز می‌شود، حس ششم (عقل، نور، دل) است (ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۵۱۲) بصر باطن قوی‌تر از بصیرت ظاهر است و دل قوی‌تر از چشم ادراک می‌کند. پس لذت دل‌ها به آنچه ادراک می‌کنند تمام‌تر و کامل‌تر است از آنچه حواس آن را درک می‌کنند (ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۵۱۲). برخی از متکلمان لذات را منحصر در حسیات می‌دانند. علامه حلی در مخالفت با این نظر گوید: «لذت و الم به عقلی و حسی تقسیم می‌شود. برخی، لذت و الم عقلی را انکار می‌کنند و حق این است که ما با معارف عقلی ملتذ می‌شویم و این‌ها لذات عقلی است.» (حسن‌بن یوسف حلی (علامه حلی)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۸)

احساس لذت و الم کار نفس است نه بدن. چون ادراک، امری مجرد است و بدن مادی نمی‌تواند ادراک داشته باشد و لذا تعبیری مانند لذت عقل یا لذت بدن، مسامحی است. لذت همواره از آن روح است و حتی در لذاتی که اصطلاحاً آن‌ها را لذاتی جسمانی می‌نامیم، مدرک حقیقی، روح است و نه جسم. لذت توسط نفس درک می‌شود اما به لحاظ اینکه مرتبط با نیاز بدن یا نیاز روح است، به دو قسم لذت مادی و معنوی یا بدنی و روحی تقسیم می‌شود (محسن غروی‌ان، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، ص ۵۱).

انسان‌ها از زیبایی‌ها لذت می‌برند. همان‌گونه که لذت‌ها به دو قسم محسوس و غیرمحسوس تقسیم می‌شوند، زیبایی نیز دو قسم است: محسوس و غیرمحسوس. زیبایی غیرمحسوس نیز بر دو قسم است: مجرد تام (درجه بالا) و مجرد ناقص (درجه پایین). زیبایی اخلاقی، از نوع زیبایی‌های غیرمحسوس است. برخی از این زیبایی‌ها، در سطح بسیار بالایی از معنویت قرار دارند؛ مثل زیبایی فناء فی الله (مجرد تام) و برخی از این زیبایی‌ها در سطح نازلی هستند که حتی عموم مردم نیز آن‌ها را درک می‌کنند؛ مثل زیبایی اخلاقی ایثار، عفو، استقامت، انصاف، حلم، جود، و عاطفه (مجرد ناقص) (محسن غروی‌ان، فلسفه اخلاق، ص ۱۱۳).

مرتضی مطهری در تبیین لذات معنوی و حسی گوید: لذت برای انسان منحصر به لذت حسی نیست. لذت حسی لذتی است عضوی و مربوط به یک محرک خارجی مثل غذایی که تماس پیدا می‌کند با سطح زبان انسان یا لذت‌های دیگری که شامه یا لامسه درک می‌کند، اما یک سلسله لذت‌ها هم هست که مربوط به جسم نیست مثل لذت احساس قهرمانی برای یک انسان قهرمان (مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۴۷).

افلاطون درباره برتری لذات معنوی بر لذات حسی گوید: لذت نمی‌تواند خیر حقیقی و یگانه انسان باشد؛ زیرا زندگی که تنها به لذات مادی و حسی بسته باشد، و در آن معرفت و عقیده را سهمی نباشد، زندگی است که یک جانور و صدف دارد (افلاطون، دوره آثار افلاطون، ج ۳، ص ۱۷۴۵).

ج) لذات ساده (بسیط) و پیچیده (مركب)

بن‌تام در فصل پنجم از کتاب مشهورش، لذات را به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم کرده و نمونه‌های بسیاری را برای آن‌ها ذکر کرده است:

«پس از بیان آنچه در انواع لذت‌ها و دردها مشترک است، اکنون انواع دردها و لذت‌ها را جداگانه بررسی می‌کنم. دردها و لذت‌ها را می‌توان با یک کلمه کلی نامید: ادراکات جالب. ادراکات جالب، ساده یا پیچیده هستند. ادراکات پیچیده آن‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را به ادراکات مختلف ساده‌تری تقسیم کرد. ادراکات ساده را نمی‌توان تقسیم کرد. یک ادراک جالب پیچیده می‌تواند از لذت‌ها به تنهایی، دردها به تنهایی، یا ترکیبی از یک یا چند لذت و یک یا چند درد تشکیل شود.»

Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Chapter 5: The

(Kinds of Pleasure and Pain, p. 24)

ج) لذات انتزاعی و نیمه‌انتزاعی

از یک نظر می‌توان لذت‌ها و امیال پیوسته با آن‌ها را در سه دسته کلی جای داد: دسته اول، امیال جسمانی و حسی‌ای که با لذت‌های حسی در ارتباط‌اند. هرچند تمام لذت‌ها، نوعی ادراک‌اند که به وسیله نفس درک می‌شوند، لذت‌های حسی با بخش‌های خاصی از بدن ما مرتبط‌اند و از ارتباط اندام‌های حسی با موضوع جسمانی حاصل می‌شوند؛ مانند لذتی که از خوردن یا بوییدن به دست می‌آید. دسته دیگری از لذت‌ها نیز از نوع اول با دوام‌ترند و می‌توان آن‌ها را لذت‌های نیمه‌انتزاعی نامید. لذت‌هایی که شخص از به دست آوردن پول، شغل، مقام، و موقعیت اجتماعی کسب می‌کند، از این دسته‌اند. انسان ممکن است برای رسیدن به آن‌ها از لذت‌های حسی خود نیز چشم‌پوشی نماید.

دسته سوّم لذت‌های کاملاً انتزاعی‌اند؛ مانند لذتی که شخص از اطمینان نفس و آرامش روح می‌برد. هنگامی که محقق به کشف جدیدی دست می‌یابد، سرشار از چنان بهجت و سروری می‌شود که از پول، ثروت، و مقام چنین شادمانی‌ای بر نمی‌خیزد. پس لذت انواع مختلفی دارد و باید براساس معیاری، غیر از خود لذت، به تحلیل و تطبیق آن‌ها بر مصادیق واقعی، که با سعادت حقیقی انسان همراه است، پرداخت. زیرا انواع مختلف لذت، ارزش اخلاقی یکسانی ندارند و برای تعیین میزان ارزش هریک باید معیار دیگری داشته باشیم و فقط لذت‌بودن آن‌ها تعیین‌کننده ارزش آن‌ها نیست. از این رو کسی که لذت‌های روحانی را با ارزش‌تر از لذت‌های جسمانی می‌داند معیاری غیر از لذت را در تعیین ارزش اخلاقی عمل پذیرفته است و در نتیجه از نظر وی لذت ارزش ذاتی ندارد و نمی‌تواند به تنهایی ملاک و معیار ارزش‌گذاری اعمال به حساب آید (امیر خواص و اکبر حسینی قلعه‌بهمن و احمد دبیری و احمدحسین شریفی و علی پاکپور و محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ص ۴۴-۴۵).

منابع

۱. ابن‌سینا، ۱۳۷۵، الاشارات و التنبيهات، قم: البلاغه.
۲. افلاطون، ۱۳۹۸، دوره آثار افلاطون (۴ جلد)، مترجم: محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.
۳. انتظام‌وزیری، سیدعبدالله، ۱۴۰۰ش، برادری انسان‌ها، مترجم: منصور رشیدی و علی قنبریان، ناظر فنی: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.
۴. ایرجی‌نیا، اعظم پژوهش‌های فلسفی کلامی، «بررسی جایگاه لذت با تکیه بر حکمت صدرای و سودگرایی بن‌تام»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال شانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۴، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۳۲.
۵. جیکوبز، جان‌تان آ، ۱۳۹۶، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، مترجم: سیدمحمدعلی تقوی و زهره علوی‌راد، تهران: نشر مرکز، چ اول.
۶. حلی (علامه حلی)، حسن‌بن‌یوسف، ۱۴۲۲ق، کشف المراد فی شرح تجریدالاعتقاد، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۷. خواص، امیر و حسینی قلعه‌بهمن، اکبر و دبیری، احمد و شریفی، احمدحسین و پاکپور، علی و اسلامی، محمدتقی، ۱۴۰۰، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، ویراستار: امیرعباس رجبی، قم: دفتر نشر معارف، چ شانزدهم.
۸. رولان، رومن، ۱۳۸۵، فرهنگ درست‌نویسی سخن «مهاتما گاندی»، نویسنده فرهنگ: یوسف عالی‌عباس‌آباد، زیر نظر: حسن انوری، تهران: نشر سخن، چ اول.
۹. سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۸۵، کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: هرمس (وابسته به مؤسسه شهر کتاب)، چ اول.
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین، ۱۳۷۳، حکمة الاشراق، مصحح: هانری کربن، تهران: مؤسسه مقالات و تحقیقات فرهنگی، چ دوم.
۱۱. شیرازی (ملاصدرا)، محمدبن‌ابراهیم صدرالدین، ۱۴۱۰، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. شیرازی (ملاصدرا)، محمدبن‌ابراهیم صدرالدین، المبدأ و المعاد، تحقیق: سیدجلال‌الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۹، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری، تهران: صدرا.
۱۴. غروی‌ان، محسن، ۱۳۹۱، فلسفه اخلاق، تهیه‌کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: زمزم هدایت، چ اول.
۱۵. غروی‌ان، محسن، ۱۳۸۰، فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه فرهنگی یمین، چ دوم.
۱۶. غزالی، ابوحامد، ۱۳۸۱، کتاب الاربعین، مترجم: برهان‌الدین حمدی، تهران: اطلاعات.
۱۷. غزالی، ابوحامد، ۱۳۷۷، احیاء علوم الدین، مترجم: خوارزمی، به کوشش: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۸. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۹۸، فلسفه اخلاق، مترجم: انشاءالله رحمتی، تهران: حکمت، چ چهارم.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، محقق: احمد حسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، فلسفه اخلاق، تهران: بنیاد ۱۵ خرداد، چ دوم.
۲۲. هاشم‌نژاد، حسین، ۱۳۹۸ش، فلسفه هنر به بیان ساده، تهران، انتشارات میراث فرهیختگان: همکاری و نظارت در چاپ و نشر: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، چ اول.
۲۳. Bentham, Jeremy, 1871, Theory of Legislation, Translated From the French of Etienne Dumont, by R. Hildreth, Paperback (June 2009).
۲۴. Bentham, Jeremy, 2017, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, Jonathan Bennett.